



انتشارات حکمت

دین و نظام طبیعت

دکتر حسین نصیر

ترجمہ:

دکتر محمد حسن فقہوری



Nasr, Seyyed Hossein

نصر، حسین ۱۳۱۲ -

دین و نظام طبیعت (مجموعه سخنرانی‌های ادوارد کدبری در دانشگاه بیرمنگام ۱۹۹۴) / حسین نصر؛ ترجمه محمد حسن ففوری
تهران، حکمت، ۱۳۸۴ ش / ۱۴۲۶ ق.
۴۷۹ ص.

ISBN: 964-8713-13-8

Religion and the order of nature

عنوان اصلی:

بخشی از این کتاب مجموعه سخنرانی‌های ادوارد کدبری در دانشگاه بیرمنگام ۱۹۹۴ می‌باشد.

چاپ اول: ۱۳۸۴ ش - ۱۴۲۶ ق

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. طبیعت -- جنبه‌های مذهبی. ۲. علم و دین. ۳. امر قدسی. ۴. فلسفه طبیعت.
۵. اخلاق زیست محیطی. ۶. بوم‌شناسی انسانی -- جنبه‌های مذهبی. الف. ففوری، محمد حسن، مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان: مجموعه سخنرانی‌های ادوارد کدبری در دانشگاه بیرمنگام ۱۹۹۴.

۲۰۲/۱۲ BL ۶۵/ط ۶

کتابخانه ملی ایران ۴۷۸۷-۸۴

دین و نظام طبیعت

دکتر سید حسین نصر، مترجم: دکتر محمد حسن ففوری

چاپ اول: ۱۳۸۴ ش - ۱۴۲۶ ق

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۸۰۰ تومان

موسسه انتشارات حکمت

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ابوریحان

شماره ۳، کد پستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۶۴۶۱۲۹۲ - ۶۴۱۵۸۷۹، فاکس: ۶۴۰۶۵۰۵

info@hekmatpub.com

www.hekmatpub.com

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر می‌باشد)

چاپخانه انتشارات حکمت

(حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی)

تهران، میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام

شماره ۳۲۰، کد پستی ۱۱۵۷۷۷۴۵۱۱

تلفن: ۳۱۲۴۳۴۰ - ۳۱۲۴۲۱۳، فاکس: ۳۱۲۱۶۳۶

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار نویسنده
۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۷	مقدمه
۲۷	فصل اول: دین و ادیان
۵۱	یادداشتهای فصل اول
۵۹	فصل دوم: نظام طبیعت
۱۱۵	یادداشتهای فصل دوم
۱۳۹	فصل سوم: فلسفه و خطاهای فلسفه
۱۹۱	یادداشتهای فصل سوم
۲۱۳	فصل چهارم: علوم سنتی، انقلابی علمی و دستاوردهای آن
۲۵۷	یادداشتهای فصل چهارم
۲۷۵	فصل پنجم: دستاوردهای غم‌انگیز بشرگرایی در غرب
۳۰۹	یادداشتهای فصل پنجم
۳۱۹	فصل ششم: بازشناسی طبیعت: دین و بحران محیط زیست
۳۷۱	یادداشتهای فصل ششم
۳۹۱	فصل هفتم: حکمت نهفته در جسم انسان
۴۳۳	یادداشتهای فصل هفتم
۴۴۵	فصل هشتم: دین و بازسازی قداست طبیعت
۴۷۲	یادداشتهای فصل هشتم

پیشگفتار نویسنده

سی سال بین سخنرانی‌های راکفلر که توسط راقم این سطور در دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۶۶ ایراد شد و مجموعه سخنرانی‌های کدبوری که متن آن در این کتاب آمده است و خود سخنرانیها در دانشگاه بیرمنگام انگلیس انجام یافت فاصله افتاد. متن سخنرانیهای دانشگاه شیکاگو تحت عنوان «انسان و طبیعت: بحران معنوی بشر متجدد» چاپ شد و به زبانهای گوناگون از پرتهالی گرفته تا ترکی ترجمه شد و اخیراً به فارسی نیز برگردانیده شده است. در آن زمان به موضوع مرکزی کتاب که پیدایش قریب‌الوقوع یک بحران عالم‌گیر محیط زیست و علل فکری و فلسفی و دینی آن بود چندان توجه نشد. لیکن بزودی برای صاحبان بصیرت در مغرب‌زمین آشکار شد که چنین بحرانی واقعی است و فقط نتیجه پیشگوئی‌های گروهی انسانهای بدبین نیست. بتدریج کنفرانس‌های متعددی در این زمینه برگزار شد و قوانینی تدوین یافت و سازمانهای دولتی برای حفظ محیط زیست تاسیس یافت و این فعالیت‌ها در غرب آغاز شد و بتدریج به سایر نقاط جهان و از جمله به ایران گسترش یافت.

با وجود اینکه بتدریج دانشمندان مسیحی غربی و سپس یهودیان متوجه ابعاد دینی و معنوی و فلسفی محیط زیست می‌شدند، اکثر فعالیت‌ها به زمینه‌های اقتصادی و مهندسی و فنی محدود بود و بسیار بودند و هنوز نیز هستند کسانی که فکر می‌کنند بشر جدید می‌تواند در درون همین جهان‌بینی بدون تعالی که معرفت تجدد است ادامه دهد ولی با چند برنامه اقتصادی و فن‌آوریهای مناسب بحران محیط زیست را حل کند. این بنده البته کاملاً از اول با چنین برداشتی مخالف بود و بحران محیط زیست را نتیجه مستقیم جهان‌بینی حاکم بر تجدد می‌دانسته و هنوز نیز می‌داند. لذا هنگامی که در نیمه

دهه نود قرن اخیر از اینجانب دعوت شد که سلسله سخنرانیهای معروف کدبوری را در بیرمنگام انجام دهد تصمیم گرفته شد که با تعمق بیشتری از کتاب «انسان و طبیعت» به بررسی رابطه بین دین و نظام طبیعت پردازد.

کتاب فعلی از لحاظ فلسفی یکی از اساسی ترین آثار این بنده است که در آن با توجه و تعمق در سنن فلسفی غرب، تاریخ علوم، جهان بینی ادیان گوناگون جهان در رابطه با کون و کیان و مقایسه ای از نظریات ادیان مختلف درباره نظام طبیعت کوشیده شده است یک دید جهانی درباره رابطه بین دین و نظام طبیعت داده شود.

برای راقم این سطور آشکار است که با توجه به استفاده از اصطلاحات فلسفی و دینی و علمی متعلق به چند تمدن مختلف و استفاده از منابع علمی متعددی به زبانهای گوناگون و تحلیل های پیچیده فلسفی، ترجمه این اثر کاری آسان نیست. چنانکه ترجمه آن به ترکی و فرانسوی که هر دو قبلاً به طبع رسیده است حاصل چند سال کوشش بوده است، لذا باید نویسنده این کتاب قبل از هر چیز از دوست دانشمند و همکار گرامی آقای دکتر محمد حسن فغفوری که با نوشته ها و سبک بیان بنده آشنائی کامل دارند تشکر کند که این بار سنگین را بر دوش گرفته و پس از کوشش فراوان ترجمه این سطور را به پایان رسانیدند.

ایشان ضمن ترجمه متوجه شدند که موضوعات این کتاب به علت اهمیت بحثی که پیش کشیده است با چند رشته مختلف علمی از جمله تاریخ ادیان و عرفان، فلسفه در شرق و غرب، تاریخ علوم، برخی از علوم قدیمه، تاریخ فکری غرب و غیره سروکار دارد و به همین جهت ترجمه متن آن کار آسانی نیست ولی نظر ایشان این بود که وجود این کتاب برای فارسی زبانان در زمان حال از اهمیت برخوردار است. به هر حال همت ایشان و نه اصرار بنده بود که باعث شد یکی از سنگین ترین کتب این بنده به زبان فارسی به حلیه طبع آراسته شود.

در این دوران حفظ محیط زیست در ایران از اهم مسائل است و نمی توان آن را به عذر اینکه باید فعلاً مملکت صنعتی شود به فردا موکول کرد چون فردا خیلی دیر است و اگر ملل جهان از هم اکنون فکر اساسی و نه فقط رنگ و روغن دادن ظاهری درباره این موضوع نکنند اصلاً فردائی نخواهد بود که بتوان به حل این معضل پرداخت. کره زمین تاب گسترش تکنولوژی ویرانگر جدید را ندارد و دیر یا زود طبیعت خود

عکس‌العمل مهبی نشان خواهد داد و بشر را به صورتی دردناک از خواب و خیال ترقی مادی مستمر و تحلیل طبیعت به صرفاً ماده مصرفی بیدار خواهد کرد. وانگهی در ایران هنوز دید سنتی مربوط به طبیعت که از قرآن کریم سرچشمه گرفته و در آثار فلاسفه و عرفای این سرزمین به زیباترین وجهی بیان شده است بکلی فراموش نشده است. باید این دید معنوی راجع به طبیعت را احیا کرد و به مدد معنویت رابطه‌ای بین انسان و طبیعت ایجاد کرد که منجر به ویرانی و فساد محیط زیست و در نتیجه انهدام حیات بشر بر روی این کره زمینی که خداوند آن را با یک زیبایی غیر قابل تصور آراسته است نشود. امید راقم این سطور اینست که در این کتاب مانند کتاب «انسان و طبیعت» که تالی آن است بتواند سهم ناچیزی در این بیداری راجع به محیط زیست و اهمیت دین و معنویت در حفظ آن داشته باشد. فراموش نکنیم شعر سعدی را که فرمود:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

سید حسین نصر

بتردا - مریلند

فروردین ماه ۱۳۸۴

پیشگفتار مترجم

بنام آنکه جانش در تجلی است همه عالم کتاب حق تعالی است
در قرون پیش از رنسانس و انقلاب صنعتی انسان سستی - یعنی انسانی که هنوز از
خود و خدای خود بیگانه نبود - به عالم طبیعت به عنوان صحنه تجلی جمال و جلال
الهی نظر می کرد و وجود خود را نیز از طبیعت و از آفریننده آن جدا نمی دید. در نظر
چنین انسانی برگ سبز هر درختی دفتری از معرفت کردگار و نشانی از عظمت و
خلاقیت خداوند بود. چنین انسانی حفظ حرمت طبیعت را به مثابه بخشی از فریضه
دینی و اخلاقی خود بسیار جدی می گرفت و تجاوز به حرمت طبیعت را در حقیقت در
حکم طغیان و سرکشی در برابر خداوند می دانست.

از روزگاری که بشر عصر رنسانس تقدس حیات را فراموش کرد و به کل نظام
طبیعت به عنوان مجموعه ای خالی از روح و ماشینی که تنها برای بهره کشی انسان
آفریده شده برخورد کرد نگرش قدسی انسانها به طبیعت و تقدس آن نیز به فراموشی
سپرده شد. بهره کشی از طبیعت و ثروت اندوزی به صورت تنها هدف این بشر متجدد
درآمد که هر روز بیش از پیش برای ارضای حرص و آز لجام گسیخته خود هرگونه
تجاوز به طبیعت و هتک حرمت قدسی آن را مجاز می شمرد.

متأسفانه گویی همیشه فاجعه ای لازم است تا بشر را از خواب غفلت بیدار کند. بعد
از بیش از چهار قرن سلطه این پیش بر جامعه بشری و بویژه جامعه صنعتی غرب،
اخیراً و آن هم در نتیجه رخ دادن فجایع عظیمی - چون انفجار پایگاه های اتمی در
چرنوبل، از بین رفتن تدریجی لایه اوزون، غرق شدن نفتکش های عظیم که به نابودی
هزاران هزار از موجودات و پرندگان دریایی انجامیده، و جنگ های متعددی که به

نابودی منابع طبیعی و آلوده ساختن جنگلها و کوهستانها منجر گردیده - توجه برخی از اندیشمندان و سیاستمداران غرب به مسأله بحران محیط زیست جلب شده است. بیش از سه دهه قبل از تحد شدن بحران موجود سید حسین نصر از نخستین کسانی بود که با نگارش کتاب رویارویی انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد^(۱) توجه جهانیان را به بحرانی که در پیش بود فراخواند. از آن پس نویسندگان بسیاری به این موضوع پرداختند. اما کتاب حاضر که در اصل در سال ۱۹۹۴ به صورت یک سلسله سخنرانی از مجموعه سخنرانی‌های تدبیری در دانشگاه بیرمنگام ارائه شد نخستین تحقیق جامع و کامل از منظر ادیان گوناگون و با نگرش سستی به طبیعت و بحران محیط زیست است که به قلم شیوای این اندیشمند برجسته ایرانی به رشته تحریر درآمده است. اگر گفته شود که این کتاب مهمترین اثری است که طی سه دهه گذشته درباره طبیعت و مقام قدسی آن و نیز مفهوم نظام طبیعی از دیدگاه ادیان گوناگون منتشر شده است سخنی به اغراق نیست. این کتاب همراه با اثر دیگر استاد سید حسین نصر یعنی کتاب معرفت و معنویت مهمترین اثر ایشان نیز هست و به زبانهای دیگر ترجمه شده است. ترجمه حاضر نخستین ترجمه فارسی آن است.

در این کتاب دکتر نصر با نگاهی جامع به بررسی مقام طبیعت در ادیان گوناگون و از جمله ادیان ابراهیمی می‌پردازد و بشر امروزی را به خاطر بی‌اعتنایی وی به مقام قدسی طبیعت و هتک حرمت آن شدیداً به باد انتقاد می‌گیرد. نویسنده به بررسی مواضع و باورهای یک یک ادیان گوناگون در رابطه با طبیعت می‌پردازد ولی تکیه بر اخلاقیات و اصول اخلاقی را برای رهایی از بحران محیط زیست کافی نمی‌بیند. بلکه رهنمودهایی جهانشمول مبتنی بر نگرش عرفانی برای نجات محیط زیست ارائه می‌دهد. همین امر در مجامع علمی و سیاسی جهان اعتبار خاصی به این کتاب بخشیده است زیرا دقیقاً در روزگاری که برخورد تعصبات و مجادلات دینی اشکال خشونت آمیزی گرفته راه‌حل‌های پیشنهادی نویسنده - در عین حفظ حرمت و احترام به

1. The Encounter of Man and Nature: The Spiritual Crisis of Modern Man, London, 1968.

باورهای کلیه ادیان - فراتر از مرزهای دین خاصی است. کتاب حاضر همچنین پاسخ قانع کننده‌ای بر دو نگرش عمده اندیشمندان غربی بر بحران حاکم بر رابطه انسان و طبیعت است که از اوایل قرن بیستم مقبولیت عام یافت. نخست بینشی است که معتقد است علوم و صنایع جدید به همراه دستاوردهای حیاتی و بسیار مفیدی که برای جامعه بشری داشته‌اند نتایج و اثرات منفی نیز به بار آورده‌اند و این امر اجتناب ناپذیر است. نگرش دیگر تجاوز انسان تجددزده را بر حریم قدسی طبیعت از بعد اقتصادی آن می‌نگرد و آن را به تحلیل‌هایی سطحی و شعارگونه‌ای همچون افسارگسیختگی بشر امروزی و حرص و آز نظام سرمایه‌داری تقلیل می‌دهد. گرچه در هریک از این تحلیل‌ها شمائی از حقیقت وجود دارد اما هیچ یک کامل و جامع نیست. در این کتاب و در پاسخ به این چنین تحلیل‌هایی دکتر نصر ادعای مطلق بودن علوم جدید را رد می‌کند، بر تقدس حیات تأکید می‌ورزد و معتقد است که تنها زمانی می‌توان از تقدس طبیعت دم زد که اعتقاد به تقدس زندگی در مجموع فراموش نشده باشد. اما بشر متجدد تقدس حیات را فراموش کرده با بریدن از منشأ قدسی خود دچار سرگشتگی روحی و معنوی شده، و در نتیجه از خود و خدای خود بیگانه شده است. به همین دلیل است که نصر بحران موجود محیط زیست را «تجلی برون‌ی بصری انسان تجددزده» تعبیر می‌کند، انسانی که به نام دنیا عالم ملکوت را به فراموشی سپرده است. برای حل بحرانی که طبیعت با آن روبروست ذهنیت و باورهای چنین انسانی نیازمند مرگ و تولدی دوباره است تا در پرتو آن انسان سستی و قدسی از نو متولد شود و به مثابه پلی موجبات پیوند میان عالم ملک و ملکوت را فراهم سازد. این جهان‌بینی سید حسین نصر چکیده نگرش سنت‌گرای وی و پیروان مکتب جاودان خرد یا حکمت خالده است. خود ایشان از سخنگویان برجسته این مکتب و نخستین اندیشمندی است که راه ورود این مکتب فکری را به مجامع علمی و دانشگاهی غرب باز کرد. زیرا عمیقاً اعتقاد دارد که اگر تنها «یک خرد جاودان وجود دارد، یک کیان‌شناسی واحد و جاودان نیز از عناصر متشکله آن است که همچون ستاره‌ای در میان علوم سستی گوناگون می‌درخشد.» هرچند تقدس دوباره بخشیدن به طبیعت از حیث قدرت انسان خارج است اما اشراف بر این تقدس از او خواسته است. بشر باید نخست مقام قدسی خود را باز شناسد تا بتواند گامی نو در راه کشف دوباره قداست طبیعت بردارد. این

مهم نیز تنها از طریق کنار زدن حجاب‌های جهل و تعصب و تکبر و حرص و آز میسر است. تنها از این طریق است که حقیقت قدسی طبیعت دوباره بر همگان و به ویژه بخش عمده‌ای از جامعه امروز بشری که مسئولیت بیشتری در انهدام طبیعت داشته است متجلی خواهد شد. وگرنه «زمین را نمی‌توان با نوعی برنامه‌ریزی اجتماعی یا تحول صنعتی که به عالم طبیعت تنها به صورت یک کمیت برای تأمین نیازهای بشر برخورد می‌کند التیام داد». چنین تدابیری تنها در حکم دادن داروی آرام‌بخش به بیمار است لیکن چاره بیماری نیست. آنچه مورد نیاز است کشف دوباره طبیعت به عنوان یک حقیقت قدسی و تولد دوباره انسان به عنوان نگاهبان قداست آن است. این امر مستلزم بازگشت انسان به اصالت واقعی خویش و مرگ ذهنیتی است که به پیدایش تجددگرایی و تحولات ناشی از آن منجر گردید. باید بینشی نوینان نهاد که در پرتو آن ضمن رد ادعای مطلق بودن علم جدید دستاوردهای آن را در محدوده اعتقادی، تاریخی، و اقتصادی پذیرفت. باید به کسب آنگونه شناختی از طبیعت همت گماشت که در آن بر پیوند میان طبیعت و خداوند، بر رابطه میان طبیعت و بقیه کیان و بر مقام انسان به عنوان خلیفه‌الله تأکید لازم گذاشته شود. باید یکبار دیگر به شناخت طبیعتی کمر بست که در آن برگ درختان سبز در نظر انسان هوشیار و آگاه به مقام و مسئولیت خویش هر ورقش دفتری برای معرفت کردگار شود.

* * * * *

ترجمه حاضر در سال ۱۹۹۹ آغاز شد و علی‌الاصول می‌بایست طی یک سال به اتمام می‌رسید و آماده چاپ می‌شد اما متأسفانه به علت مشغله‌های دیگر این حقیر اتمام آن چندین بار به تأخیر افتاد. خدا را شکر گذارم که سرانجام این مهم به انجام رسید.

بیشتر اصطلاحات رایج در زمینه ادیان و فلسفه که در این کتاب آمده است قبلاً بوسیله مترجمان دیگر آثار دکتر نصر توضیح داده شده و در اینجا نیازی به ترجمه مجدد و تکرار آنها نیست. تنها برخی از اصطلاحات مهم که ممکن است در آثار دیگر ذکر نشده باشد، و یا ضرورت ترجمه مجدد آنها احساس می‌شد در اینجا از نو ترجمه شده است. در اینجا لازم است مراتب سپاس قلبی و حق‌شناسی خود را از الطاف جناب دکتر نصر که رهنمودهای مفیدی در امر این ترجمه به بنده ارزانی

داشتند و طی دو دهه گذشته همواره مشوق و پشتیبان این حقیر در امور علمی و معنوی بوده و از هیچگونه لطف و محبت در حق اینجانب مضایقه نداشته‌اند ابراز دارد. خداوند به ایشان که مایه افتخار ایران در جوامع علمی جهانی‌اند طول عمر و توفیق روزافزون در خدمت و عبادت عطا فرماید. از دوست بسیار عزیز جناب عباس لطفی‌پور که مایه خیر شدند و مسئولین انتشارات حکمت که قبول زحمت فرموده به چاپ این کتاب همت گماشتند نیز بی‌نهایت ممنونم. لازم به تذکر است که این اساتید ارجمند هیچ مسئولیتی در رابطه با کیفیت این ترجمه ندارند و مسئولیت صحت و دقت ترجمه و هرگونه کاستی و نارسائی در این مورد به دوش اینجانب است. و من الله التوفیق و علیه التکلان.

محمد حسن فغفوری

واشنگتن، دی، سی

۳۰ فروردین ۱۳۸۴

۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۲۶

۱۹ آوریل ۲۰۰۵

مقدمه

پیکر زمین از جراحاتی که بدست انسان بر آن وارد می شود خونین است؛ انسانی که دیگر با عالم ملکوت یگانه نیست و گویی دائماً با محیط زیست سرچنگ دارد. طبیعت هر روز بیش از پیش و به نحوی سابقه‌ای در سراسر دنیا - هم بدست کسانی که محیط اطراف خود را از دین بری کرده و علم و صنعتی بوجود آورده‌اند که بطرز غیر قابل تصویری قادر بانهدام طبیعت است، و هم بدست انسانی که هنوز در چهارچوب معتقدات دینی زندگی می‌کند - بی حرمت و از تقدس خالی می‌شود. البته شیوه‌های دو گروه در انهدام طبیعت هم از نظر کمی و هم از لحاظ کیفی با هم تفاوت بسیار دارد. اوضاع خطرناک حاکم بر جنگلهای شمالغربی ایالات متحده، منطقه آمازون و کوههای هیمالیا، از بین رفتن مداوم انواع مختلف حیوانات و آلودگی هوا و آب در سراسر جهان، به ویژه در سرزمین‌های اتحاد شوروی سابق، شواهد تکان‌دهنده‌ای بر این حقیقت غم‌انگیز است. بحران محیط زیست در حال حاضر سراسر کره زمین را فرا گرفته است. شگفت‌انگیز اینکه هرچند انهدام کیفیت قدسی طبیعت انسان متجدد که عمیقاً تحت تأثیر بیش غیر دینی است انجام می‌شود، اما اکثریت جوامع انسانی، چه آنانکه مستقیماً و چه آنانکه بطور غیر مستقیم در انهدام افسار گسیخته محیط طبیعت شریکند، در جهانی زندگی می‌کنند که بیش آن هنوز عمیقاً تحت تأثیر و تسلط بیش دینی قرار دارد. به همین دلیل هر گونه بحث و تبادل نظر درباره دین و نظام طبیعت - اگر نیت و امیدی به مرهم گذاشتن بر جراحات زمین و چاره‌جویی برای حل بحران موجود که اساس موجودیت بشر را در سراسر کره‌ی خاکی تهدید می‌کند باشد هر گونه بحث و تبادل نظر درباره دین و نظام طبیعت نمی‌تواند در سطح جهانی صورت گیرد.

نیاز عمیقی احساس می شود که بدون اینکه به اهمیت و اعتبار هیچ دین خاصی خدشه وارد شود، طریقی فراتر از مرزهای دینی اتخاذ گردد تا مطالعات تطبیقی درباره عالم مُلک از دیدگاه ادیان مختلف - آن چنانکه درباره عالم ملکوت بعمل آمده - به معنای ماوراءطبیعی و کیانی آن انجام شود. اما حتی اگر چنان کوششی با موفقیت همراه باشد و معنای نظام طبیعت در ادیان مختلف از بعد دینی و نه فقط تاریخی یا از زاویه مردم شناسی جدی گرفته شود، هنوز مشکل تعدد مکاتب و دیدگاههای مختلف در چهارچوب هر دین بجای خود باقی است. بنابراین مسأله معیار گزینش اصول بسیار مهم است.

در بخش های آینده این کتاب - بدون اینکه خدشهای در پیش دینی وارد کنیم، یا آن را به تاریخ گرایی محض یا پدیده شناسی خالی از ادراک حقیقت قدسی و جدا از حقیقت ایمان تقلیل دهیم - نخست سعی خواهیم کرد شیوه گذشتن از مرزهای یک دین خاص و قدم گذاشتن به مرز ادیان دیگر را نشان دهیم. هدف دیگر غور و بررسی در سنت های دینی مختلف است تا بتوان آن دسته از مکاتب یا نظام های فکری را انتخاب کرد که توجه خاصی به نظام طبیعت مبذول میدارند. در این مهم ملاک گزینش ما دقیقاً محوری بودن دیدگاه های دینی است که به نظام طبیعت پرداخته اند و به محیط زیست مربوط می شوند. نیاز به یادآوری نیست که ادیان عمده همچون هندو، بودایی، یهودی، مسیحیت و یا اسلام، هر یک آراء و عقایدی بسیار غنی درباره جهان طبیعت و رابطه دین با نظام طبیعت ارائه داده اند که اغلب بسیار شبیه یکدیگرند. می توان مطالعات بسیاری درباره ادیان مختلف و برخورد آنان با این مسأله بعمل آورد. شیوه ای که ما در این کتاب اتخاذ کرده ایم اینست که برخی از عمیق ترین جنبه های بدیهی نظریات مختلف را درباره طبیعت از دیدگاه ادیان مورد بحث مطرح کنیم. البته به هیچ وجه نمی توان ادعا کرد که این بحث کامل و جامع باشد، یا عقاید و آرای که برای شناخت مفهوم نظام طبیعت در جهان بینی ادیان مورد بحث انتخاب کرده ایم تام و کامل باشد. با این حال آنچه در چهارچوب هر دین انتخاب شده بسیار مهم است و برخی از عمیق ترین نظریات مربوط به نظام طبیعت را در بردارد، نظریاتی که با آن دسته از دیدگاهها و عقاید رایج درباره طبیعت که برای شناخت مفهوم دینی و کیانی طبیعت اهمیتی قایل نیستند تفاوت بسیار دارد.

دقیقاً به خاطر وجود دنیای متجدد - دنیایی که تا یک قرن پیش مأوای اصلی آن مغرب زمین بود اما در حال حاضر به قاره‌های دیگر نیز سرایت کرده و مسؤل اصلی انهدام جهانی محیط زیست است - سعی خواهی داشت که به بررسی سیر تاریخی فلسفه و علم در غرب پردازیم. علم و فلسفه در غرب با دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌هایی شبیه سایر تمدن‌های سستی آغاز شد اما از قرن شانزدهم به بعد دچار انحراف گردید. بینش غربی از نظریه تقدس طبیعت فاصله گرفته و به نقطه‌ای رسیده است که در آن انسان را بیگانه از طبیعت می‌بیند و دیگر طبیعت را وارث حیات نمی‌انگارد، بلکه آن را به عنوان یک مجموعه بی‌روح و به مثابه ماشینی که باید در خدمت انسان مادی گرفته شود می‌نگرد. همچنین غرب به شیوه‌ای که در تمدن‌های دیگر دیده نمی‌شود قوانین طبیعت را از قوانین اخلاقی و اخلاقیات انسانی را از نظام قانونمند چرخ نیلوفری جدا کرده است.

در این کتاب همچنین به بررسی مفهوم انسان در دوران رنساس و تحولات ناشی از آن خواهیم پرداخت. این دوران شاهد بشرگرایی (اومانیزم) غیردینی و مطلق ساختن بشر خاکی بود. این تحول عواقب غیرقابل تصویری هم برای دنیای طبیعت و هم برای تمدن‌های سستی که به دست همین بشر فتح شده بود به دنبال داشت، بشری که برای او دیگر هیچگونه محدودیت دینی در تسلط یافتن بر طبیعت و نیروهای آن وجود نداشت. زیرا هدف او به انقیاد گرفتن طبیعت برای ثروت‌اندوزی، یا سلطه بر تمدنهای دیگر و یا نیل به هر دو این اهداف بود.

در هر حال در طول قرن هفدهم در غرب دین حق و ادعای خود را بر کیان از دست داد. در نظام علمی جدید که بر صحنه جهانی تسلط یافته بود علم دینی نظام طبیعت نیز مشروعیت خود را کاملاً از دست داد. به علاوه تا همین اواخر بسیاری از علمای دین در غرب تصور می‌کردند که این از قدرت و عظمت مسیحیت است که در میان کلیه ادیان جهان تنها دینی است که اجازه داده است علمی کاملاً غیردینی به تمدنی راه یابد که در آن تمدن مسیحیت دین عمده و غالب است. تنها بحران محیط زیست در چند دهه اخیر - که به صورت گرم‌تر شدن زمین، انهدام لایه اوزون، مرگ حیوانات مختلف و از میان رفتن نباتات متعدد و ظهور بحرانی که موجودیت حیات را مورد تهدید قرار داده تجلی کرده است - موجب شده که بسیاری از علمای مسیحی

مجدداً دربارهٔ رابطهٔ عمیق میان دین و نظام طبیعت به تفکر بنشینند. حتی پیشگامان و سخنگویان مکتب دین زدایی نیز در حال حاضر از اهمیت دین در جلوگیری از فاجعهٔ جهانی محیط زیست که در نهایت به نابودی ابناء بشر خواهد انجامید داد سخن می‌دهند.

در نتیجه بسیاری از علمای دین مسیح و نیز متفکران یهودی در غرب طی سالهای اخیر تلاش کرده‌اند بر مبنای دین نظریاتی دربارهٔ محیط زیست، و یا به قول خودشان الهیات محیط زیست تدوین نمایند.^(۱) در حال حاضر پس از قرن‌ها غفلت از این موضوع در میان کاتولیکها و نیز پیروان مذهب پروتستان، علاقه عمیقی فراتر از مرزهای دینی به این امر ابراز می‌شود. با این حال همچنانکه در این کتاب نشان داده شده نگرانی عمده و مشغله ذهنی بیشتر متفکران دینی در غرب تدوین مجموعه‌ای از اصول اخلاقی درباره محیط زیست است و نه مطرح ساختن بینش دینی طبیعت به عنوان علمی مشروع که با یک بُعد، که در واقع مهمترین بُعد حقیقت کیانی است هماهنگ باشد. با در نظر داشتن تاکیدی که پیوسته بر رابطه و عمل در طبقه‌بندی علم و تفکر در اسلام می‌شود، باید تذکر داد که در حال حاضر توجه بیشتری به عمل بی علم ابراز می‌شود. در صورتی که منابع سنتی اسلام به بشر می‌آموزند که علم و عمل باید همیشه باهم همراه باشند. بنا به یک ضرب‌المثل معروف و رایج در زبان‌های اسلامی علم بی عمل مانند درخت بی ثمر است. عمل بدون علم نیز عملی آشفته، خالی از اصول و نهایتاً بدون دستاوردهای مثبت و معمولاً بسیار مخرب‌تر از هر نوع بی عملی است.

جای شگفتی بسیار است که در سالهای اخیر ادیان شرقی و از جمله اسلام که در آنها تا امروز چنان علمی کماکان در کانون صحنه دینی حضور داشته و هرگز به مقام علوم خفیه به کنار رانده نشده نیز عمدهٔ به تقلید از غرب الگوی غربی را به منظور تدوین اصول اخلاقی و نه برای مطرح ساختن و به‌کارگیری علم شناخت طبیعت بر اساس دین پیشه کرده‌اند. با این تفاوت که در جهان اسلام حداقل طی دو سه دهه اخیر بحث و تبادل نظر درباره شناخت طبیعت بر اساس اصول اسلام به گونه‌ای علمی و مستقل از علوم جدید جریان داشته است. در هر حال دلیل غفلت از این بُعد علم در میان ادیان شرقی در رابطه با عکس‌العمل آنان به بحران محیط زیست اینست که این ادیان، که بطور کلی از نیروهای محرکهٔ علوم و صنایع غربی و مسائل ناشی از بحران

جدید دور افتاده بودند، به تدریج از فجایعی که بیار آمده آگاه می شوند. تنها در همین اواخر است که این بحران چهره واقعی خود را می نمایاند و نشان می دهد که نتیجه برنامه ریزی و سازندگی نادرست نیست، بلکه اساساً نتیجه فراموش شدن علم دینی طبیعت و حاصل یک بحران معنوی درونی است.

در این کتاب هدف ما رد مطلق بودن ادعاهای علم جدید و باز کردن فضائی برای تحقق دیدگاه دینی نظام طبیعت است که ادیان مختلف در طول زمان درباره علوم قدسی و کیانی مدون ساخته اند. تنها وقتی زندگی خود حقیقتاً قدسی باشد می توان از تقدس حیات اشیاء دیگر در سطحی بالاتر از شعار صحبت کرد. در جهانی که صحبت از هر گونه تقدس در طبیعت بی معناست، صحبت از تقدس حیات چیزی بیش از افکاری احساساتی و یا دورویی نیست. دیدگاه دینی نظام طبیعت در سطح ماوراءطبیعی، فلسفی، کیانی و علمی، بدون نفی علوم جدید، باید دوباره شأن و مقام خود را بعنوان علمی مشروع باز یابد و فراموش نشود که علوم جدید نتیجه و حاصل سوالات خاصی است که در ارتباط با طبیعت مطرح شده است. همچنانکه دیگران نیز متذکر شده اند واقعه غم انگیزی که رخ داده این است که علوم جدید با مطرح ساختن سوالات خاصی درباره طبیعت آغاز شد و با این ادعای پوچ که تنها سوالات مزبور ارزش مطرح شدن دارند خاتمه یافت. از این روی شناخت دینی طبیعت و از جمله ادراک عالم مادی که موضوع اصلی تعلیمات ادیان پیشمار خارج از دنیای غرب و نیز محور مباحث امروزی درباره انسان و طبیعت است باید در چهارچوب هر دین شأن و منزلت خود را از نو باز یابد. سپس بر اساس چنان علمی اصول اخلاقی بر مبنای دین درباره طبیعت به نحوی تبلیغ شود که در سطح جهانی معنا و مفهوم داشته باشد. ما خود سعی کرده ایم که با اشاره کوتاهی به علوم سنتی درباره پیکر انسان نشان دهیم که چنان تعلیماتی تا چه حد برای شناخت نظام طبیعت از دیدگاه دین اهمیت دارد. البته به هیچ وجه ادعا نداریم که آنچه ارایه می شود بیش از چند مثال بدیهی چیز دیگریست. هر دینی دارای گنجینه ای از علوم و تجربیات درباره نظام طبیعت است که اگر احیاء شود به ایجاد شرایطی منجر خواهد شد که در پرتو آن ادیان جهان به غنی تر شدن یکدیگر کمک خواهند کرد و خواهند توانست در مرهم گذاشتن به جراحات پیکر کره خاکی با تکیه بر اعتقاد مشترک به تقدس طبیعت دست همکاری به هم دهند.

برغم اختلاف برداشت از مفهوم حقیقت قدسی و منشأ آن در ادیان مختلف، این ادیان وجوه تشابه بسیار باهم دارند و از جهان‌بینی‌های دیگری که اساساً فاقد مفهوم تقدس‌اند بسیار به هم نزدیک‌ترند. کوشش در راه احیای علوم و تجربیات دینی نه تنها بکارگیری اصول اخلاقی را دوباره طبیعت میسر می‌سازد، بلکه بسیاری را در جهان غیر دینی و عرف‌نگرای غرب جلب خواهد کرد، کسانی که مذبح‌خانه در جستجوی رابطه‌ای معنوی با طبیعت‌اند و چون نمی‌توانند آنچه را که ادیان اصلی در اختیارشان می‌گذارند درک کنند، به شرق‌شناسی، به کیان‌شناسی ادیان مرده مانند ادیان مصری، به فرقه‌های مختلف مذهبی، و بالاخره به طیف وسیعی از جنبشی که امروزه به ادیان عصر جدید (۲) موسوم شده است رو می‌کنند.

بحران محیط زیست تجلی پرونی یک بحران درونی است که در روح زنان و مردان عصر ما پدید آمده است، زنان و مردانی که بنام دنیا و علم ملک، عالم ملکوت را فراموش کرده‌اند و خود در آستانه منهدم ساختن زمین قرار دارند. بحران محیط زیست نه تنها مستلزم پرداختن به جستجوی راه‌حل‌های موقتی و تسکین‌دهنده است، بلکه مستلزم مردن و تولد دوباره انسان تجدد زده و جهان‌بینی اوست. انسان مجبور نیست و در حقیقت برخلاف آنچه برخی ادعا می‌کنند نمی‌تواند از نو «ابداع» شود، بلکه باید از نو بصورت انسانی سستی و قدسی و به مثابه پلی میان عالم ملک و ملکوت تولدی دیگر یابد. دنیای طبیعت نیز باید یکبار دیگر به صورتی آنچنانکه همیشه بوده - یعنی آنچه ملکوتی و منعکس‌کننده قدرت خلاق خداوند تلقی و پذیرفته شود. باید علم شناخت طبیعت بر اساس دین از نو تولد یابد. کیان‌شناسی سستی و علوم قدسی که هنوز در بسیاری از مناطق خارج از دنیای غرب حفظ شده باید از نو احیاء شود. اما در عین حال میراث ادیان غربی نیز باید به گونه‌ای جدی مورد غور و بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، همچنانکه پیروان سستی مکتب جاویدان خرد و یا حکمت خالده برای شناخت خداوند و تجلیات متعدد او در چهارچوب میان جهان‌بینی‌های مختلف دینی پلی ایجاد کرده‌اند، باید میان ادیان مختلف در مرحله شناخت طبیعت نیز حلقه‌های رابطی ایجاد شود. به یقین می‌توان گفت که اگر تنها یک خرد جاویدان وجود دارد، یک کیان‌شناسی خالد و جاویدان نیز از عناصر تشکیل‌دهنده آن است که همچون ستاره‌ای در میان علوم گوناگون سستی می‌درخشد.

بدون شناخت دوباره علم قدسی نظام طبیعت و شناساندن آن از طریق وسایل ارتباط جمعی امروزی بی آنکه در آن تحریف یا خدشه وارد شود، و بدون ایجاد رابطه تنگاتنگ میان چنان شناختی از نظام طبیعت و اصول اخلاقی حفظ محیط زیست، تردیدی نیست که آنچه از نظم و نظام در جهان انسانی و طبیعت باقی مانده نیز دچار اغتشاش و دستخوش بی نظمی بیشتری خواهد شد. این بی نظمی نه تنها مقدمه‌ای بر آغاز یک فصل جدید از نظم و گامی در روند خلافت - آنگونه که امروزه از این اصطلاحات استنباط می‌شود - نیست بلکه هرج و مرجی است که ممکن است نهایتاً به انهدام کامل حیات بشری در روی کره‌خاکی بیانجامد. حفظ تقدس حیات مستلزم به یاد آوردن دوباره کیفیت‌های قدسی طبیعت است. معنای تقدس بخشیدن مجدد به طبیعت به مفهوم هبه کردن تقدس به طبیعت نیست که آن البته امری خارج از قدرت بشر است. بلکه به معنای کنار زدن حجاب‌های جهل و تکبر است که حقیقت قدسی طبیعت را از دیدگان بخش عمده‌ای از جامعه انسانی امروز پوشانیده است.

کتاب حاضر حاصل دعوتی است که در پائیز سال ۱۹۹۴ از سوی دانشگاه بیرمنگام در انگلستان از اینجانب برای ارائه سلسله سخنرانی‌هایی که هر سال به افتخار ادوارد کدبری Edward Cadbury و به نام وی برپا می‌شود بعمل آمد. (۳) هنگامی که این موقعیت و افتخار بزرگ نصیب این بنده شد کاملاً آشکار بود که به علت بحران معنوی و آشفتگی فکری موجود و نیز شدت وخامت محیط زیست که افراد مختلف بدون در نظر گرفتن عوامل اساسی و عمیق‌تر درباره آن بحث می‌کنند، ضروری بود که به مسأله دین و رابطه آن با نظام طبیعت پردازیم و آن را در سطح جهانی مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. بنابراین به تعبیری این اثر دنباله کتاب انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد (۴) است که خود متن سخنرانی‌های این بنده است که در سال ۱۹۶۶ به عنوان بخشی از مجموعه سخنرانی‌های را کفلر (۵) در دانشگاه شیکاگو ارائه شده بود. آن کتاب یکی از نخستین آثاری بود که در آن بحران محیط زیست پیش‌بینی شده بود. علاوه بر این کتاب فعلی دنباله سخنرانی اینجانب است که در سلسله سخنرانی‌های گیفورد (۶) در دانشگاه ادینبورگ در سال ۱۹۸۱ ارائه شد و تحت عنوان معرفت و معنویت به چاپ رسید (۷) و همچنین ادامه کتاب دیگر حقیر یعنی ضرورت علوم قدسی است. (۸) امیدواریم که کتاب حاضر قدم کوچکی دیگری در

راه جلب توجه کسانی که حقیقتاً نگران وضع بشریت، نظام طبیعت و مسائل عمیق دیگر هستند باشد. نگرانی‌ها و مسائلی که در کتب فوق مطرح شده بود در این کتاب نیز مجدداً در سطح گسترده‌تری مطرح می‌شود. امید است که ابعاد دینی و معنوی بحران محیط زیست زیر ذره‌بین گذاشته شود و اهمیت شکاف میان علوم جدید و معنویت در پیش آوردن اغتشاش و آشفتگی در نظام فکری و معنوی انسان روشن شود، بحرانی که آلودگی محیط زیست و انهدام نظام طبیعت بارزترین پیامد آنست. در اینجا لازم است مراتب امتنان و تشکر خود را از مقامات دانشکده الهیات دانشگاه بیرمنگام و به ویژه پرفسور فرانسیس یانگ^(۹) به خاطر دعوتی که از اینجانب برای ارائه مجموعه سخنرانی‌های کدبری بعمل آوردند ابراز دارم. همچنین از سرکار خانم کاترین اوبراین^(۱۰) که نسخه اولیه این کتاب را مطالعه کرده پیشنهادات و تصحیحات مفیدی ارائه دادند، و نیز از زحماتی که خانم موزیت هایلو^(۱۱) در آماده کردن کتاب برای چاپ متحمل شدند صمیمانه سپاسگذارم.

و ما توفیقی الا بالله

سید حسین نصر

بتسدا، مریلند

سپتامبر ۱۹۹۴

یادداشت‌های مقدمه

- 1- Eco - theology
- 2- New Age Religions
- 3- Edward Cadbury
- 4- *Man and Nature: The Spiritual Crisis of Modern Man* (London, 1989).
- 5- Rockefeller Lecture Series
- 6- Gifford Lectures
- 7- *Knowledge and the Sacred* (Albany: State University of New York Press, 1989)
- 8- *The Need for Sacred Science*, (Albany: State University of New York Press, 1993)
- 9- Frances Young
- 10- Katherine O'Brien
- 11- Muzit Hailu